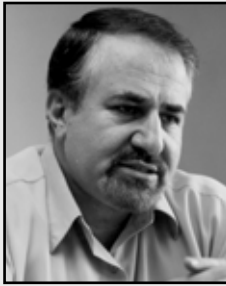


حافظه ملی دیجیتال در گفت‌وگو با دکتر فریبرز خسروی



دکتر فریبرز خسروی دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران است. ایشان چندین سال معاون کتابخانه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بوده و فعالیت‌ها و خدمات بسیار ارزنده‌ای را عرضه داشته است. ایشان از اعضای اصلی انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران بوده و یک دوره ریاست این انجمن را بر عهده داشته است. در حال حاضر دکتر خسروی معاون فناوری اطلاعات و ارتباطات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، عضو هیئت علمی کتابخانه ملی ایران و مدیر مسئول و سردبیر فصلنامه کتاب است. از ایشان کتاب‌ها و مقالات متعددی در نشریات تخصصی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی منتشر شده است. با توجه به مسئولیت ایشان در پروژه حافظه ملی دیجیتال در کتابخانه ملی، برای آشنایی با نحوه عمل و برنامه‌های در حال اجرای این طرح با ایشان به گفت‌وگو نشستیم.

اطلاعات از تولیدکننده به مصرف‌کننده است، آن هم به شکل دیجیتال، در کمترین زمان و با بیشترین بازایی و مرتبطترین اثری که در آن مجموعه موجود است. منظور از اشاعه این است که بتوانیم اطلاعاتی را که در مجموعه ما هست، به آسان‌ترین شکل به دست مصرف‌کننده نهایی برسانیم. نام‌هایی که به کار می‌رود، ممکن است متفاوت باشد، ولی مقصود یکی است. اشاعه، اطلاع‌رسانی خدمات، همه اینها فعالیت‌هایی هستند که در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی برای رساندن اطلاعات به کاربر نهایی صورت می‌گیرد.

□ با توجه به تعریفی که اشاره کردید، آیا می‌توان در ایران نمونه‌هایی از کتابخانه‌های دیجیتال را یافت؟

■ به باور من، در این مورد باید با احتیاط سخن گفت. خیلی از افراد و یا سازمان‌ها با گردآوری تعدادی کتاب و کنار هم قرار دادن آنها در قالب‌های غیراستاندارد، غیرعلمی و غیرتخصصی، به محض اینکه پایگاه اطلاعاتی ایجاد می‌کنند، آن را کتابخانه دیجیتال می‌نامند. ناگفته نماند که طبعاً می‌توان اطلاعاتی نیز از آن استخراج کرد، ولی لزوماً این کتابخانه دیجیتال نخواهد بود. ما در ایران مجموعه‌هایی با عنوان کتابخانه دیجیتال داریم که مثلاً تصویر جلد کتاب‌ها را کنار هم قرار داده و شما باید بگردید و کتاب مورد نظر خود را از روی جلد‌ها پیدا کنید و روی آن کلیک کنید. اینها شاید در بعضی موارد اطلاع‌رسانی خوبی هم بکنند، ولی مصادیق کتابخانه‌های دیجیتال نیستند. شاید بتوان این کارها را تجربه‌هایی نامید که ما داریم آغاز می‌کنیم برای رسیدن به یک کتابخانه منسجمی که بتواند به کاربر نهایی درست اطلاع‌رسانی کند. راهکاری که پرسشگر بتواند هم در

□ برای شروع بحث، آیا چارچوبی برای کتابخانه دیجیتال قائل هستید؟

■ بسم الله الرحمن الرحیم. مفهوم کتابخانه دیجیتال هنوز مفهومی غشروقی است و خیلی شکل مسنجم و مشخصی را در حوزه‌هایی که به آن مربوط می‌شود، نگرفته است. لذا کارشناسان و متخصصان حوزه کتابداری، اطلاع‌رسانی و رایانه تعاریف متعددی از این کتابخانه از منظرهای مختلف، مطرح می‌کنند که برخی از این تعاریف با هم سازگاری دارند و برخی اختلاف‌هایی دارند. نمی‌خواهم که به وجه اشتراک و افتراق و در مجموع مخرج مشترک این تعاریف بپردازم، بحث آن جای دیگری است. ولی کارکردی که به عنوان یک کتابدار و اطلاع‌رسان از یک کتابخانه دیجیتال باید انتظار داشته باشیم، طبعاً مجموعه‌ای از اطلاعات جهت‌دار انتخاب شده و برگزیده است که سازماندهی شده است. در سازماندهی هم هدف اصلی، کاربر نهایی است. در سازماندهی سعی شده موازین استاندارد رعایت شود و بازایی برای کاربر نهایی تسهیل شود. پس همان‌گونه که ما در کتابخانه سنتی بحث انتخاب و تهیه را می‌کنیم، بحث ذخیره و پردازش و در نهایت اطلاع‌رسانی و اشاعه را نیز داریم. در کتابخانه دیجیتال هم طبعاً از منظر کتابداران این رویکردها با شکل و فرم جدیدی باید وجود داشته باشد تا بتوان آن را کتابخانه دیجیتال بنامیم.

□ همان‌طور که اذعان داشتید در کتابخانه‌های سنتی هم ما به بحث خدمات، در کنار اطلاعات اشاره داریم. اگر ممکن است درباره بحث خدمات در کتابخانه دیجیتال روشن‌تر صحبت کنید.

■ به‌طور کلی یکی از اهداف مهم کتابخانه دیجیتال، رساندن

به‌طور کلی یکی از اهداف مهم کتابخانه دیجیتال، رساندن اطلاعات از تولیدکننده به مصرف‌کننده است، آن هم به شکل دیجیتال، در کمترین زمان و با بیشترین بازایی و مرتبط‌ترین اثری که در آن مجموعه موجود است

آن، مصرف کاغذ نیز افزایش یافته است. شاید علت این باشد که نسلی که امروز از اینترنت استفاده می‌کند، تداوم چشمش سطح مانیتور نیست و تداوم دستش هنوز صفحه کلید نیست. ممکن است نسل بعد خیلی از کاغذ استفاده نکند. نمی‌شود قطعی سخن گفت. اینها پیش‌بینی‌هایی است که شده است. خبری دیدم، احتمالاً شما هم دیده‌اید که در امریکا جعبه‌هایی ساخته‌اند مثل دستگاه‌هایی که در فروشگاه یا خیابان نصب می‌شوند و نوشابه در آن می‌فروشند، شما می‌توانید آنجا بایستید و کتاب موردنظرتان را انتخاب کنید؛ ۳۰۰ صفحه، ۴۰۰ صفحه و هزینه آن را با کارت اعتباری خود بپردازید و همانجا کتاب انتخاب شده شما چاپ، صحافی و تحویل شما می‌شود. این مسئله نشر، کتابداری و خیلی از حوزه‌های مرتبط را ممکن است دگرگون کند. لذا باید منتظر بود و دید که آینده چه می‌گوید. اما مجبوریم در چستی که این تکنولوژی پیش می‌رود، حرکت کنیم و طبعاً یکی از این قضایا هم به‌طور جدی پرداختن به دنیای دیجیتال است و نمی‌توانیم از آن‌گریز داشته باشیم.

داده‌ها و هم در اطلاعات کتاب‌شناختی جست‌وجوی دقیقی داشته باشد و متن‌مطلبش را بیابد. این جست‌وجو باید نسبتاً جامع و مانع باشد. نسبتاً جامع و نسبتاً مانع برای اینکه نمی‌توانیم به جامعیت و مانعیت مطلق برسیم. آن وقت می‌توانیم بگوییم که به کتابخانه دیجیتال نزدیک شده‌ایم، مجموعه‌هایی که فعلاً در کشور موجودند، مقدمات خوبی هستند، ولی مصادیق کتابخانه دیجیتال نیستند. به اعتقاد من اینها حرکت‌های اولیه‌اند.

□ آیا کتابخانه‌های دیجیتال در راستای کتابخانه‌های سنتی قرار دارند یا به‌منزله یک موجودیت مستقل مطرح هستند؟

■ کتابخانه دیجیتال از یک دیدگاه تداوم کتابخانه‌های سنتی محسوب می‌شود. بعضی منابع موجود در کتابخانه را با هدف حفاظتی اسکن می‌کنیم و بعضی دیگر را برای سهولت اطلاع‌رسانی. اما امروزه اطلاعاتی تولید می‌شوند که تولدشان دیجیتالی است و طبعاً چنین اطلاعاتی نیز باید گردآوری شوند لذا به نظر می‌رسد که سال‌ها مجبوریم که کتابخانه‌ها را به‌صورت دورگه و دومنظوره با دو رویکرد (هایبرید)^۱ اداره کنیم. تا زمانی که فناوری دیکته خودش را بگوید مجبوریم دوگانه عمل کنیم.

□ بیشتر کتابخانه‌های دیجیتال امروز جهان این روند را طی کرده‌اند. از کتابخانه سنتی به الکترونیکی و از الکترونیکی به هایبرید و در این راستا به کتابخانه‌های دیجیتال رسیده‌اند. آیا هم اکنون ما به سطح کتابخانه‌های هایبرید رسیده‌ایم؟

■ البته من درباره این تقسیم‌بندی که شما مطرح کردید (از سنتی به الکترونیکی، از الکترونیکی به هایبرید و از هایبرید به دیجیتال)، کمی تردید دارم. برای اینکه باورم این است که هنوز ما خیلی نمی‌توانیم حد فاصلی بین کتابخانه‌های مجازی، الکترونیک و دیجیتال قائل شویم و یک خط خیلی مشخص بکشیم. الان می‌دانید که تحقیقات زیادی در سطح دنیا درباره این مسئله شده است و نتوانسته‌اند یک خط کاملاً مشخصی ترسیم کنند. فناوری، جبر خودش را اعمال خواهد کرد و بحث روی آوری به اطلاعات دیجیتال ناگزیر رخ خواهد داد و کتابخانه‌ها به این سمت حرکت خواهند کرد. حالا سرنوشت خود کتاب کاغذی چه می‌شود. این بحثی است که باید در آینده منتظر آن باشیم. خیلی‌ها معتقد بودند که با آمدن اینترنت، کتابخوانی و خواندن از روی کاغذ کم خواهد شد، درحالی که گزارش‌های فعلی نشان می‌دهد بعد از آمدن اینترنت و همه‌گیر شدن





جدی به این بپردازد که گرهی از گره‌های جامعه اطلاعاتی را باز کند. از طرف دیگر بحث چالش‌های انسانی دو سو دارد. از یک سو به فناوری و متخصصان حوزه رایانه و شبکه و مخابرات مربوط است و سوی دیگر به کتابداران و اطلاع‌رسانان ارتباط پیدا می‌کند. به اعتقاد من، در بخشی که به رایانه مربوط است، بسیاری از متخصصان کمتر با جدیت درگیر کار شده‌اند، لذا کار را خیلی ساده و سطحی پنداشته‌اند. مثل برنامه‌های کتابخانه‌ای که وقتی ابتدا وارد کار می‌شوند، می‌گویند کاری ندارد، هر منبع یک عنوان دارد و ناشر و سال و غیره و طی یکی، دو ماه کار به اتمام می‌رسد. بعد کار را که شروع می‌کنند، می‌بینند که نه! کار عمق بسیار زیادی دارد و چالش زیادی را می‌تواند برای آنان به وجود آورد. مگر اینکه نخواهند کار کنند. اگر بخواهند کار کنند و خودشان را با پروتکل‌های بین‌المللی منطبق کنند، کار بسیار عظیمی را طلب می‌کند. ما در برنامه «رسا» (برنامه جامع کتابخانه ملی) به این رسیدیم. برنامه «رسا» حاصل تلاش سه ساله مجموعه‌ای از کتابداران و کامپیوترمن‌هاست که توانستند برنامه جدیدی را خلق کنند که البته خالی از نقصان هم نیست، ولی کار بزرگی بود که تولیدکنندگان آن از اول فکر نمی‌کردند که تولید آن به این اندازه پر مشکل و پر چالش باشد.

شاید این متخصصان محترم به ندرت به طور جدی وارد این مباحث شده‌اند و خیلی سطحی از آن عبور کرده‌اند. گاهی کتابخانه دیجیتال را یک پایگاه اطلاعاتی دانسته‌اند که مجموعه‌ای از اطلاعات دیجیتال را شامل می‌شود که از یک مجرا وارد آن می‌شویم، مشاهده می‌کنیم، جست‌وجو می‌کنیم و خارج می‌شویم. درحالی که این آسان‌ترین نگاه به بحث کتابخانه دیجیتال است. درباره کتابداران نیز باورم این است که نقش نیروی انسانی در کتابخانه‌های سنتی یک نقش روشن و آشکار است، ولی در کتابخانه‌های دیجیتال کتابدار این نقش را آهسته آهسته در بن کار و پنهانی انجام خواهند داد. اگر کتابخانه دیجیتال به گزینش اطلاعات و انتخاب نیاز دارد، انتخاب‌کننده‌اش کیست؟ حتی اگر انتخاب ما درصدی با استفاده از ماشین باشد، ولی کارهای معناشناسانه را از ابتدا باید کتابدار انجام دهد. اگر چه برای پردازش

□ آیا می‌توانیم بدون اینکه پیشینه‌ای داشته باشیم، کتابخانه دیجیتال ایجاد کنیم؟ به این معنی که بدون طی مراحل پیشین به این مقطع برسیم.

■ بله، وجود دارد. در اروپا کتابخانه‌هایی هستند که مطلقاً پشتوانه سنتی ندارند و از اول به صورت دیجیتال خلق شده‌اند و اساساً کارشان هم این است که به صورت دیجیتال سرویس‌دهی کنند و موجودیشان هم دیجیتال است.

□ طبعاً چالش‌هایی برای ایجاد خدمات کتابخانه‌های دیجیتال وجود دارد، از جمله چالش‌های مربوط به خطوط مخابراتی یا چالش‌های فنی از دیدگاه کامپیوترمن‌ها، یا چالش‌های مدیریتی و نیروی انسانی و چالش‌های مربوط به حق مؤلف، به نظر شما ما با کدام‌یک از این دسته چالش‌ها بیشتر درگیریم؟

■ همه این چالش‌ها و موانع و مشکلاتی که مطرح کردید، وجود دارند و شک نداریم که برای هر یک از این مشکلات اعم از زیرساخت‌های مخابراتی، نیروی انسانی و هر آنچه به این حوزه مربوط می‌شود، نواقص و چالش‌های زیادی وجود دارد. ولی به نظر می‌رسد، مشکلی که در این حوزه بیشتر برایمان ملموس است، عدم توجه جدی به این حوزه است. شما به طرح‌هایی که تکفا برای این حوزه تعریف کرده و مبالغی که هزینه کرده است، توجه داشته باشید. این مبالغ در هر صورت از جیب مردم خرج شده است. پروژه‌هایی که در همین حوزه کتابخانه دیجیتال و مباحث و مسائل مربوط به دیجیتال اجرا شد، بررسی کنید و بعد ببینید نتیجه آن چه شد. جایی ۸۰۰ میلیون، جای دیگری ۷۰۰ میلیون و یا یک یا چند میلیارد خرج پروژه‌ها شده است. اینها مسائلی نیست که پنهان باشد، رازهای سرپسته‌ای نیست و در گزارش‌های تکفا و طرح‌هایی که ایجاد کرده‌اند، هست. بررسی شود که کدام‌یک از اینها عملیاتی شده‌اند. شاید بعضی از آنها عملیاتی شده‌اند، ولی بسیاری از آنها در نطفه خفه شد و ادامه پیدا نکرد، زیرا مجریان و کارفرمایان متعدد و متخصص نداشتند. بعضی از طرح‌هایی که در این حوزه اجرا می‌شود، بیشتر ناندانی است تا اینکه به‌طور

در اروپا کتابخانه‌هایی هستند
که مطلقاً پشتوانه سنتی ندارند
و از اول به صورت دیجیتال
خلق شده‌اند و اساساً کارشان
هم این است که به صورت
دیجیتال سرویس‌دهی کنند و
موجودیشان هم دیجیتال است

□ لطفاً درباره پروژه کتابخانه ملی پروژه‌های دیجیتال و تاریخچه آن توضیحاتی بفرمایید.

■ ابتدا لازم می‌دانم به‌طور کلی رسالتی را که سازمان برعهده دارد، بیان کنم. سپس به این مسئله می‌پردازیم که چرا باید وارد بحث دیجیتال شویم و نقش متفاوتی را که کتابخانه ملی دیجیتال باید ایفا کند، چیست؟ سازمان اسناد و کتابخانه ملی و به‌ویژه خود کتابخانه سه رسالت اساسی دارد؛ اول حفظ میراث مکتوب و غیرمکتوب ملت عزیز ایران است. این یک وظیفه میراث‌داری است. ما وظیفه داریم آنچه را این ملت خلق می‌کنند، همانند عکس و تصویر، کتاب، نوار، تمبر و جز آن، از نظر فرهنگی به شکلی که خلق شده، بدون قضاوت درباره اندیشه، محتوا، کیفیت و کمیت حفظ کنیم. ما تا امروز چیزی نزدیک به ۷۹ ماده از لوح فشرده گرفته تا تمبر، پاکت پستی، سند، مرقع و غیره را در زمینه‌های مختلف شناسایی و کدبندی کرده‌ایم و از آنها نگهداری می‌کنیم. پس وظیفه میراثی داریم که حفظ میراث مکتوب و غیرمکتوب است و این وظیفه کتابخانه‌های ملی در همه کشورهای جهان است. وظیفه دوم، اطلاع‌رسانی درباره این میراث ارزشمند است. اطلاع‌رسانی از این میراث مقدماتی را می‌طلبد. شما باید آنها را گردآوری و پردازش کنید، به‌گونه‌ای که بهترین اطلاع‌رسانی را برای استفاده‌کننده داشته باشید. این وظیفه دوم سازمان اسناد و کتابخانه ملی است. وظیفه سوم آن، وظیفه راهبردی برای سایر کتابخانه‌هاست. نکاتی که بدان اشاره می‌کنم در اساسنامه سازمان درج شده و مصوبه مجلس شورای اسلامی است. بنابراین، ما سه وظیفه داریم؛ حفظ میراث از منابعی که از سوی ایرانیان یا درباره ایران تولید می‌شود. ما موظفیم تمام آثار پژوهشی را که درباره ایران و اسلام تولید می‌شود، را گردآوری و از آنها اطلاع‌رسانی کنیم. تا چندی پیش پدیده‌ای به نام منابع دیجیتال نداشتیم و طبیعی است که انواع کتاب‌های خطی، چاپ سنگی، چاپ سربی، چاپ چوبی، کتاب‌های نفیس، کتاب‌های نادر و انواع کتاب‌هایی که از منظرهای مختلف می‌توان تقسیم کرد، گردآوری می‌شد. همچنین سعی می‌شد انواع منابع غیرمکتوب نظیر صفحات گرامافون، نوارهای صوتی و تصویری و عکس و اسلاید و نظایر آن گردآوری شود. ولی امروز تولیدات دیجیتال با سرعت بسیار

این اطلاعات می‌توانیم از ماشین کمال استفاده را ببریم، زیرساخت این کار ماشینی طبعاً اگر اصطلاحنامه است، اگر آنتولوژی است، اگر ساختار دیگری دارد، کاری انسانی است که باید کتابدار انجام دهد. نحوه جست‌وجو و ایجاد شرایطی که جست‌وجوگر نهایی به اطلاعات خویش دست یابد، از سوی چه کسی طراحی می‌شود؟ طبعاً باز کتابدار طراحی می‌کند. بنابراین خیلی ساده می‌گویم ما زمانی می‌گفتیم کتابدار مرجع نقش بسیار مهمی در کار کتابداری دارد. در حال حاضر کتابدار مرجع پشت کار قرار گرفته است. در اصل استفاده‌کننده با کتابدار مرجع طرف نیست، بلکه با رهاوردی طرف است که کتابدار مرجع در قالب یک صفحه طراحی کرده تا استفاده‌کننده نهایی را به سمت اطلاعاتی که نیاز دارد با بیشترین ربط، راهنمایی کند. پشت همه اینها نیروی انسانی نهفته است و این نیروی انسانی کتابدار و اطلاع‌رسان و متخصصان زبان شناس و هوش مصنوعی خواهند بود.

□ پس به نظر شما کتابداران هم در پروژه‌های کتابخانه دیجیتال و هم در ارائه سرویس‌دهی مطرح هستند؟

■ بله! به‌خصوص بخش‌های پردازش اطلاعاتی. پردازش اطلاعات یکی از فرایندهایی است که در ایران متخصصان رایانه خیلی ساده از آن عبور می‌کنند. تصور می‌شود اگر اطلاعاتی تمام متن شد و امکان استفاده از عملگرهای بولی در جست‌جو امکان پذیر شد؛ کار تمام است، ولی چنین نیست. موتورهای جستجوی صاحب نام هم به این نکته رسیده‌اند که باید راهکارهای مشخص، مدون و نظام‌مندی را برای مقوله‌بندی اطلاعات از منظر استفاده‌کننده نهایی پدید آورد.

□ به نظر می‌رسد ارتباط بین کتابداران و متخصصان رایانه در پروژه‌های دیجیتال، به‌طور صحیح صورت نمی‌گیرد.

■ اغلب اوقات بله! دیده‌ایم که گاهی متخصصان رایانه، خود را بی‌نیاز از توضیح و راهنمایی می‌دانند. لذا پایگاه اطلاعاتی پر مشکلی به عنوان کتابخانه دیجیتال طراحی می‌شود که مشخصات کتابخانه دیجیتال را نمی‌تواند داشته باشد.

□ اشاره کردید که نقش کتابداران در کتابخانه دیجیتال نهانی است، ولی در کتابخانه‌های سنتی ارتباط دیداری و شنیداری و بطور کلی رو در رو بین کتابداران و استفاده‌کنندگان وجود دارد. کتابداران در میز امانت و میز مرجع حضور دارند، ولی در کتابخانه دیجیتال نقش آنها کم‌رنگ‌تر می‌شود. به نظر می‌آید کتابداران در کتابخانه‌های دیجیتال نقش ناملموسی خواهند داشت؟

■ در کتابخانه دیجیتال نقش همه ناملموس است؛ شما در کتابخانه متخصصان رایانه و مسئول شبکه را هم نمی‌بینید، به همان نسبت کتابدار را هم نمی‌بینید. ماهیت این سیستم اینگونه است که شما با افراد سروکار نداشته باشید، بلکه با یک صفحه سروکار خواهید داشت. کتابخانه‌های دیجیتال یک سازمان‌اند؛ سازمانی متشکل از عناصر، بخش‌ها و زیرساخت‌های مختلف از جمله کتابداران، متخصصان رایانه و افرادی که شبکه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را سازماندهی و هدایت می‌کنند. هیچ‌کدام اینها دیده نمی‌شوند.

زیادی در حال افزایش است. تولیداتی که به طور دیجیتال متولد می شوند.

یونسکو تأکید بسیاری درباره میراث دیجیتال دارد. تفاوت اساسی بین میراث دیجیتال و غیر دیجیتال وجود دارد. من در فصلنامه کتاب سرمقاله‌ای با عنوان «میراث نامندگار» نوشتم. نامندگار بودن میراث دیجیتالی نباید نادیده گرفت. متوسط عمر URLهایی که در اینترنت تولید می‌شود، به گفته برخی، ۴۰ تا ۷۰ روز یا نهایتاً یک سال است. رقم آن برای ما تعیین کننده نیست، ولی بسیار کم است. بعد از مدتی می‌بینید که بسیاری از این URLهایی موجودند و حاوی اطلاعاتند، از بین می‌روند. اگرچه شاید در غرب عده‌ای باشند که آنها را بایگانی کنند و شاید به قیمت بسیار بالایی مجدداً به ما بازفروشی کنند، فقط بحث گردآوری و فروختن آنها مطرح نیست، ما با یک موجودیتی، به نام میراث نامندگار، طرفیم که همان میراث دیجیتالی است. متولی این میراث نامندگار از نظر قانونی کیست؟ نهادی جز کتابخانه ملی نیست. کتابخانه ملی وظیفه دارد از میراث دیجیتال نگهداری کند. اگر ما نگهداری نکنیم، متأسفانه از بین خواهد رفت. من مثالی عرض کنم، عکسی از روسی‌خان از دوره قاجار باقی می‌ماند، فرض کنید یکی از این رجال سیاسی دوره قاجار پشت عکس تمام افرادی را که در عکس هستند، معرفی می‌کند. عکس در صندوقچه یکی از نوادگان آنها پیدا می‌شود و گوشه‌ای از تاریخ را روشن می‌کند، بعدها به دست محقق می‌رسد و از یک سازمان اسنادی سر در می‌آورد و معرفی می‌شود و گره‌گشایی می‌کند. یا مثلاً یک نامه، مدتی پیش نامه‌ای از جیب یکی از لباس‌های دوره قاجار به دست آمده که این نامه مبین حرکتی در آن دوره بوده است که تا آن موقع فکر نمی‌کردند که چنین باشد. جلیقه‌ای وجود داشته که جیبی داشته و نامه‌ای نوشته شده بوده که در آن پیدا شده است. امروزه همه اینها دیجیتال هستند و نامندگار و در معرض نابودی قرار دارند. پس کتابخانه ملی موظف است که از همان سه منظر به این قضیه بپردازد. تمهیداتی برای گردآوری میراث دیجیتال بیندیشد، آنها را با معیارهای موجود شناسایی، گردآوری، پردازش و از آنها کند. این مراحل کار می‌تواند الگویی برای کتابخانه‌های دیگر درباره سایر کارها باشد. کارهای کتابخانه ملی در بحث گسترش‌ها سرعنوان‌ها و اصطلاحنامه‌ها و پردازش اطلاعات با عنایت آکید به حوزه دیجیتال باید تداوم یابد. برای انجام این مهم مطالعات بسیاری شروع شد و تدوین سه برنامه در دستور کار قرار گرفت؛ اول نوشتن برنامه جامع برای مدیریت اطلاعات کتابخانه ملی بود. این برنامه در اصل به صورت الکترونیک و دیجیتال کتابخانه سنتی سابق را بر اساس معیارهای جهانی مدیریت می‌کند. مبنای این برنامه مارک ایران است. ما مارک ایران را داریم و از آن پیروی می‌کنیم. خوشبختانه تقریباً از ۷۵ تا ۸۰ درصد ظرفیت برنامه «رسا» استفاده می‌شود و ۲۵ درصد دیگر هم به تدریج به کار گرفته می‌شود. این برنامه گردش اطلاعات را از سفارش گرفته تا گردآوری و اطلاع‌رسانی مدیریت می‌کند.

برنامه دیگری هم که تهیه شده، شبیه برنامه اول است. برنامه جامع مدیریت اسناد است که قرارداد آن بسته شده و جلساتی نیز برای تدوین آن برگزار شده است. قرار است در این برنامه قوانین

«ASAD» (شورای آرشو جهانی) کاملاً رعایت شود، در عین حال منطبق مارک ایران باشد تا انسجام لازم در پردازش و دسترسی به اطلاعات در درون سازمان پدید آید. برنامه دیگری که «RFP» آن نوشته شده و برای انجام مناقصه به بخش مالی - اداری ارسال شده، برنامه حافظه ملی دیجیتال است که آن را به اختصار «حمد» می‌نامیم. دلیل این نامگذاری، این است که این سازمان یکی از عمده ترین وظایفش این است که تمام فرآورده‌های فرهنگی ایرانیان را گردآوری، پردازش و اطلاع‌رسانی کند، وظیفه اصلی گردآوری اصل آثار است ولی در بسیاری از موارد می‌تواند اقلا بخشی از این میراث گران بها را به صورت رقمی گردآوری کرده و از آنها اطلاع رسانی کند از این رو «حافظه ملی دیجیتال» نامگذاری شده است. این حافظه ملی یک ملت خواهد بود، آنچه که طراحی شده این است که اصول مسلم ایجاد یک کتابخانه دیجیتال - گردآوری، پردازش و اطلاع‌رسانی - باید در آن رعایت شود. سعی خواهد شد کاملاً منطبق با استانداردهای جهانی انجام شود. امیدواریم با شکل‌گیری این برنامه بتوانیم به محتوای این کار بپردازیم. زیرا خود برنامه یک ابزار است، چیزی که اهمیت دارد، غنی کردن محتوای این مجموعه‌هاست. بالاخره ابزار مدیریت این اطلاعات را باید به دست آوریم. مهم این است که این اطلاعات بتواند گردآوری، پردازش و اطلاع‌رسانی شود. یونسکو تأکید دارد و اتفاقاً تأکید درستی هم هست. معتقد است تا زمانی که میراث دیجیتالی شما پردازش نشود، میراث فرهنگی محسوب نمی‌شود. حرف درستی است، یعنی ما نزدیک به هشت ترابایت اطلاعات دیجیتال داریم، از این اندازه اطلاعات دیجیتالی که داریم، آن مقداری را می‌توانیم بگوییم داریم که شناسایی کرده‌ایم و ابر داده آن را پدید آورده‌ایم. این چه تأثیری دارد که ما بگوییم هشت ترا داریم یا ۸۰۰ هزار ترابایت داریم، تفاوتی نمی‌کند، اگر از این هشت ترا، سه ترا آن را شناسایی کردیم و توانستیم از آن سرویس‌دهی کنیم، همان سه ترا را داریم.

ما اگر از الان به پردازش اطلاعات دیجیتال نپردازیم، در آینده تقریباً برای ما محال می‌شود. با گذشت زمان حجم آنها افزایش می‌یابد و ما فاصله بیشتری از واقعیت‌ها می‌گیریم. مثلاً فتوای یک مرجع، گاهی فقط به صورت دیجیتالی در یک سایت منتشر می‌شود، یک فتواست و هیچ نوع دیگر یا نوع کاغذی ندارد، نباید آن را حفظ کرد؟ یا یک اطلاعیه سیاسی فقط قالب دیجیتال دارد، آن را کجا باید حفظ کرد؟ وظیفه نهادی سازمان اسناد و کتابخانه ملی حفاظت و اطلاع رسانی از آنهاست. سازمانی مثل صدا و سیما اطلاعات زیادی را گردآوری می‌کند، ولی وقتی که تشخیص می‌دهند، دیگر به دردشان نمی‌خورد، آن را کنار می‌گذارند، البته آنها وظیفه اطلاع‌رسانی هم ندارند و اصولاً نوع سازمان دهی ویژه‌ای هم دارند که فقط به کار خودشان می‌آید. ولی کتابخانه ملی وظیفه دارد اطلاعات را گردآوری، حفظ و اطلاع‌رسانی کند و این وظیفه ذاتی این سازمان است که به میراث دیجیتالی هم بپردازد و حافظه ملی را در انواع و اشکال مختلفی که در حال تولید است، در گستره اینترنت و خارج از اینترنت پدید بیاورد. این طرح هم دو اولویت دارد؛ یکی اولویت اطلاعاتی که تولیدشان دیجیتالی است، که با سرعت بیشتری باید به آنها پرداخت، زیرا آنها زودتر از بین خواهند رفت و دوم اطلاعاتی که شکل فیزیکی دارند و

ما در ایران مجموعه‌هایی با عنوان کتابخانه دیجیتال داریم که مثلاً تصویر جلد کتاب‌ها را کنار هم قرار داده و شما باید بگردید و کتاب مورد نظر خود را از روی جلد‌ها پیدا کنید و روی آن کلیک کنید. اینها شاید در بعضی موارد اطلاع‌رسانی خوبی هم بکنند، ولی مصادیق کتابخانه‌های دیجیتال نیستند



□ با توجه به فرمایش شما، در دو سال آینده تقریباً به این درگاه خواهیم رسید؟

■ بله، حافظه ملی دیجیتال یا نام دیگر آن کتابخانه اسناد ملی دیجیتال یک طرح ملی است، اصلاً نباید تصور شود که سازمان اسناد و کتابخانه ملی باید تنها متولی آن باشد. اگر اینگونه فکر کنیم، بخشی اندیشیده ایم. ما اعتقاد داریم که اگر مثلاً قرار است قنات‌های کشور همراه با عکس‌ها، خاطرات شفاهی مقنیان زحمت‌کش این مرز و بوم مستند شود، باید با همکاری وزارت نیرو باشد. این اطلاعات می‌تواند روی وبسایت آنها قرار گیرد و ما از اطلاعات آنها استفاده کنیم. اگر قرار است در حوزه عشایر کاری صورت گیرد، آداب و رسوم و فرهنگ آنان مستند شود، باید با حوزه عشایر کار تخصصی صورت گیرد. از این رو طرح کتابخانه و اسناد ملی دیجیتال یا حافظه ملی دیجیتال یک طرح صددرصد ملی است. ما فقط می‌توانیم مقدمات کار را فراهم کنیم و برای گردآوری و پردازش استاندارد اطلاعات تلاش کنیم و این به یک عزم ملی نیاز دارد؛ همه نهادها باید کمک کنند و نقش خود را ایفا کنند تا آهسته آهسته کار به سرانجام برسد.

□ حافظه ملی دیجیتال همان تهیه بنیان یا همان نرم‌افزار اجرایی کار است که پیاده‌سازی آن تا دو سال آینده در برنامه کار کتابخانه ملی است و همان‌طور که فرمودید نهادهای مختلف هریک در این کار نقشی خواهند داشت. اگر این برنامه در آینده پیاده‌سازی شود، هریک از آنها مسئولیت روزآمدسازی و ارائه اطلاعات را در این بخش

به‌تدریج آنها را هم می‌توان وارد چرخه حافظه ملی کرد با انجام این مقدمات می‌توان امیدوار بود که یک سازمان اسناد و کتابخانه ملی دیجیتال که شایسته ملت عزیزمان باشد، پدید آید.

□ شما فرمودید در حال حاضر برای رسیدن به کتابخانه ملی دیجیتال، سه پروژه اصلی تعریف شده است. آیا قرار است ارتباطی بین این پروژه‌ها ایجاد شود تا ساختار منسجمی داشته باشند یا اینکه به صورت مجزا هستند؟

■ بله، آنها قطعاً باید انسجام کاملی داشته باشند و در نهایت ظهور آنها در قالب یک درگاه^۲ خواهد بود. جست‌وجو با استفاده از این سه برنامه تولید شده خواهد بود.

□ برای رسیدن به درگاه نهایی که اشاره کردید، آیا محدودیت زمانی

مشخصی وجود دارد یا بر مبنای برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد؟

■ بله، برنامه «رسا» از لحاظ ساختاری آماده است و در حال اجرا و راه‌اندازی است. تدوین برنامه جامع مدیریت اسناد نیز شروع شده و امیدوارم تا یک سال دیگر پیاده‌سازی آن نیز تمام شود و همانند برنامه «رسا» شروع به کار کند. گرچه هم‌اکنون نیز آن را به کار گرفته ایم و حدود ۱۵۰ هزار رکورد به آن منتقل شده است، ولی طبق برنامه تا یک سال دیگر باید کار به اتمام برسد. امیدوارم برنامه حافظه ملی دیجیتال هم ظرف یک و نیم تا دو سال آینده نهایی شود.

نقش نیروی انسانی در کتابخانه‌های سنتی یک نقش روشن و آشکار است، ولی در کتابخانه‌های دیجیتال کتابدار این نقش را آهسته آهسته در بن کار و پنهانی انجام خواهند داد

اسکن وجود دارد. کتاب‌های خطی را نمی‌توان به‌صورت خودکار اسکن کرد تعدادی از هر سه مجموعه‌ای که اشاره شد، اسکن شده است. البته امیدواریم با سرعتی که در کار هست، بتوانیم سریع‌تر کل منابع مورد نظر دیجیتال شود. به اعتقاد من، در رشد کتابخانه‌های دیجیتال باید تدریجی باشد و رشد آن باید به‌صورت سلولی باشد. نمی‌توان جهشی حرکت کرد. اگر با استفاده از دانش و فناوری‌های نوین بستر مناسب فراهم شود آنگاه می‌توان شاهد هم‌افزایی بالایی بود. کافی است ما با مطالعه دقیق و شناخت کامل چاله مناسبی را ایجاد کنیم و یا سدی را پدید آوریم. اگر مطالعه علمی و سنجیده باشد در کوتاه مدت شاهد ذخیره شدن حجم عظیم آب خواهیم بود. گردآوری اطلاعات دیجیتال هم همین گونه است. مثلاً: بستری فراهم شد تا افراد بتوانند عکس‌هایی را که دارند، برای کتابخانه ملی ارسال کنند. این کار را ابتدا در درون سازمان اجرا شد از همکاران خواسته شد هر کس عکسی دارد و احساس می‌کند عکس زیبایی است، دروب سایت داخلی آن را در معرض دید همکاران دیگر هم قرار دهد. اکنون صدها عکس بسیار ارزشمند با اطلاعات لازم برای نمایه سازی گردآوری شده که در نهایت به بانک اصلی منتقل خواهد شد. اگر این کار در سطح ملی انجام شود و افراد ببینند که عکس ارسالی آنان در جایی بنام کتابخانه به نام خودشان برای همیشه نگهداری شده و از آن اطلاع رسانی می‌شود مسلماً تعداد عکس‌های زیادی جمع خواهد شد. مقاله و کتاب و سایر منابع نیز به همین شکل است.

□ آیا منظورتان از چاله، چاله زیربنایی و فنی است یا می‌توان آن را چاله فرهنگی نامید؟

■ هر دو. یعنی هم به‌لحاظ فنی این بسترسازی در عین رعایت استانداردها باید آنقدر آسان باشد که هر کسی که تازه با صفحه کلید آشنا شده، بتواند با آن کار کند و هم از نظر فرهنگی این انگیزه در افراد پدید آید که آنان کتابخانه ملی را واقعاً حافظه قومی و ملی خود بیابند؟ احساس کنند که اگر آثارشان را به آنجا فرستادند، به نام خودشان حفظ می‌شود. وقتی عکسی به کتابخانه فرستاده و در مجموعه ملی وارد شد، خودش انگیزه برای ارسال آثار بیشتر می‌شود. تفاوت کتابخانه ملی با سایر نهادها و پایگاه‌های اطلاعاتی در وظیفه قانونی این کتابخانه است برای نگهداری و اطلاع رسانی همیشگی



خواهند داشت. یکی از این نهادها خود کتابخانه ملی است که این وظیفه را خواهد داشت. بایستی اسناد موجود را به فرمت دیجیتال تبدیل کنیم یا اسناد دیجیتالی موجود را سازماندهی کنیم. کتابخانه ملی در این راستا فعالیت‌های خاصی را در زمینه دیجیتال سازی آغاز کرده است؟

■ این برنامه فقط می‌تواند بستر مناسبی را برای گردآوری و پردازش اطلاعات فراهم آورد. مسلماً تشکیل بانک‌های مختلف و رشد این حافظه نیاز به همراهی و همکاری همگان دارد. در مورد فعالیت‌های کتابخانه ملی برای دیجیتالی کردن مجموعه تذکر نکته را ضروری می‌دانم دیجیتالی کردن منابع دو هدف دارد؛ یکی بحث

حفاظت است. در گذشته از منابع میکروفیلم تهیه می‌شد و اکنون اسکن می‌شوند تا نسخه دومی از آن تولید شود و در صورت آسیب دیدن یک نسخه، نسخه دیگری باقی باشد، هدف دیگر دیجیتالی کردن منابع استفاده از فناوری نوین در اطلاع‌رسانی است. کار از چهار یا پنج سال پیش با اسکن کردن عکس‌های موجود شروع شده است. حدود ۱۲۰ هزار عکس و اسلاید را که در سازمان موجود بوده، نمایه‌سازی و اسکن شده و در «رسا» قابل دستیابی است. اسکن کتاب‌های خطی، نشریات دوره قاجار و پهلوی اول کتاب‌های چاپ سنگی آغاز شده است. در معاونت اسناد هم، اسنادی را که بنابر خطمشی، باید به شیوه دیجیتال سرویس دهی شوند نیز هم اکنون اسکن می‌کنند. خریدهایی هم انجام شده است. مثلاً نسخه لوح فشرده تمام نسخه‌های خطی کتابخانه ای در نجف که حاوی نسخ ارزشمندی است خریداری شده است. در سایر نقاط دنیا هم اگر کتاب فارسی باشد یا کتاب و یا منبعی بر اساس اساسنامه سازمان گردآوری آنها وظیفه باشد سعی می‌شود اصل اثر و یا اقلاً نسخه دیجیتال آن را گردآوری شود. طی قراردادی با کتابخانه واتیکان، که کتاب‌های فارسی ارزشمندی دارد، توانستیم تصویر مجموعه‌ای از این کتاب‌ها را تهیه کنیم.

□ تا امروز چند درصد از منابعی که مد نظر بوده، دیجیتالی شده است؟

■ بستگی دارد. برای نمونه تقریباً تمام عکس‌ها و اسلایدها دیجیتال شده‌اند. ولی همه کتاب‌های خطی هنوز دیجیتال نشده‌اند و این کار ادامه دارد. زیرا کار بزرگ و پر دقتی است، به‌خصوص با حساسیتی که درباره کتاب‌های خطی از نظر نگهداری و نحوه ورق‌زدن آنها برای

حافظه ملی دیجیتال یا نام دیگر آن کتابخانه اسناد ملی دیجیتال یک طرح ملی است، اصلاً نباید تصور شود که سازمان اسناد و کتابخانه ملی باید تنها متولی آن باشد

است در وبسایت هم عرضه شوند که حتی تهیه لوح فشرده آن لازم نباشد. به نظر من نکته حائز اهمیت، گردآوری اطلاعاتی است که دیجیتالی‌اند و اصلاً شکل کاغذی ندارند. زیرا آنها اطلاعات فراری هستند که اگر ما تغل کنیم ممکن است از بین بروند و نسل بعد محروم شوند.

□ هنگامی که کتابخانه دیجیتالی می‌سازیم یا موجودیت جدیدی ارائه می‌دهیم، باید فرهنگ استفاده از آن را هم ایجاد کنیم. بسیاری از مسائل در کشور ما این روند را طی نمی‌کنند. برای مثال ما از تلفن همراه استفاده می‌کنیم، بدون اینکه فرهنگ استفاده از آن را آموزش دیده باشیم. آیا کتابخانه ملی در زمینه فرهنگ‌سازی نحوه استفاده از کتابخانه دیجیتال یا حافظه ملی دیجیتال رسالتی دارد؟

■ در جامعه امروز آموزش کاربران یکی از مهم‌ترین اقدامات کتابخانه ملی و مراکز اطلاع رسانی است پرسش شما به بحث بالابردن سواد اطلاعاتی دانش‌آموزان امروز و کاربران فردا اشاره دارد که در این زمینه بعضی اقدامات انجام شده است. مثلاً مجموعه پژوهش‌ها و مقالاتی در زمینه سواد اطلاعاتی در فصلنامه و سمینارها و میزگردها مطرح شده است. در جامعه معرفتی و یا دانش مدار باید در پی تدوین برنامه‌های جامعی برای باسواد کردن اطلاعاتی دانش‌آموزان باشد. در این جامعه همگان باید یاد بگیرند که چگونه مرتبط‌ترین اطلاعات را با کمترین انرژی در کجا پیدا کنند. در این زمینه کتابخانه ملی می‌تواند نقش موثری را ایفا کند. اما تاکنون برنامه استراتژیک معینی برای ارتقای سواد اطلاعاتی در سطح جامعه ارائه نشده است.

□ با تشکر از وقتی که در اختیار نشریه قرار دادید، اگر در پایان صحبتی دارید، بفرمایید.

■ امیدوارم زمینه شکل‌گیری کتابخانه و اسناد ملی دیجیتال که همان حافظه ملی است، فراهم آید. این مجموعه یک طرح بزرگ ملی است و خاص سازمان اسناد و کتابخانه ملی نیست، بلکه متعلق به همه ایرانیان است. اگر چنین مجموعه‌ای فراهم آید بی‌شک منبع ارزشمند و موثقی برای آیندگان و نسل‌های بعدی خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

1. Hybrid
2. Portal

از آثار گردآوری شده است. نهادی مثل صدا و سیما هم که به نوعی وظیفه اطلاع رسانی جمعی را دارد هیچگاه داعیه حفظ همیشگی آثار را نمی‌تواند داشته باشد. حتی پایگاه‌های جهانی مثل فلیکر که در موضوعات خاص در سطح بین‌المللی اطلاعات گردآوری می‌کنند پیش شرط اولیه آنها عدم تعهد برای حفظ همیشگی اثر است. تنها نهادی که معمولاً در همه کشورها وظیفه حفظ و نگهداری همیشگی آثار را دارد، کتابخانه ملی است. در بعضی کشورها برای این حفاظت تدابیر ویژه‌ای اتخاذ کرده‌اند مثلاً در کشور نروژ برای حفاظت کامل آثار، نسخه‌ای از همه آنها را دیجیتالی کرده‌اند و در درون تونل‌هایی که زیر کوه‌ها حفر شده قرار داده‌اند.

□ در دیجیتال‌سازی یا تهیه فرمت‌های دیجیتال اشاره کردید که مدارکی به صورت آنالوگ وجود دارد که آنها را به فرمت دیجیتال تبدیل می‌کنید یا فایل‌های دیجیتالی موجود را خریداری و تهیه می‌کنید. از طرف دیگر بحث مربوط به تولید دیجیتال مطرح است یعنی ما تمام فرآیند تولیدمان دیجیتال شود. آیا در این باره هم اقداماتی شده است؟

■ ایجاد اطلاعات دیجیتال تابعی از متغیرهای گوناگون و به ویژه وضعیت استفاده از فناوری‌های نوین در یک سازمان است، هر قدر میزان استفاده آنان از این فناوری بیشتر باشد مسلماً گرایش بیشتری برای تولید اطلاعات دیجیتال خواهند داشت. کتابخانه‌های ملی خودشان رأساً تولیدکننده اطلاعات نیستند، بلکه اطلاعات را گردآوری و پردازش می‌کنند چندین سال است که کتاب‌شناسی ملی را در قالب لوح فشرده در دسترس قرار گرفته است. با اینکه از نظر فناوری و امکانات، کمبودهایی داشته‌ایم، جزء پنج یا شش کشوری بودیم که این کار را آغاز کردیم. اصرار داریم که فصلنامه کتاب و گنجینه اسناد قبل از اینکه چاپ شوند، در وبسایت در دسترس باشند دایرةالمعارف هم به صورت دیجیتال فعلاً در وبسایت داخلی تست می‌شود و قابل مشاهده است. کار ویراستاری آن هم از این پس از سوی تمام کتابداران کشور به صورت دیجیتال انجام خواهد شد و هر فردی مجاز است نظر بدهد و نظرش در شورای دایرةالمعارف بررسی می‌شود و اگر تغییرات وی گسترده باشد و مورد تایید قرار گیرد، نام ویراستار زیر نویسندة اصلی درج می‌شود. سعی می‌شود ازین پس همه تولیدات به صورت دیجیتال هم عرضه شود. حتی چون اصطلاحنامه فرهنگی سه‌زبان فارسی، انگلیسی و عربی گران بود و خرید آن برای کتابداران و دانشجویان دشوار بود، آنها در قالب لوح فشرده ارائه شدند. قرار